

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

گوش کر

(از خاطرات گذشته)

به دل تا جلوه گر آن ماه نو شد به خال هندویش ، جانم گرو شد
سر زلفش بدست غیر دیدم جهان در چشم من یک باره شو شد
ز خاک شهر کهنه چون برآیم ترا منزل، بتا در شهرنو شد
من از حسرت بخود صد پیچ خوردم سرگیسوی تو تا چیه تو شد
ز من گوئید آن کاکه جوان را کجا کرتی و دستارت گرو شد
نداری پول یک پتو چکه در جیب مگر صرف قمار چکه پو شد
جهان بیدار گشت و مردم ما یکی بعد دگر افتاده خو شد
به چوکی تا مقرر گشت مامور پی رشوت چنان در تگ و دو شد
که یک دم خانه ویرانه او مجلل خانه ای در شهر نو شد
ندادم یک دوسه مهمانی اش من مدیر شعبه در جانم ببو شد
کجا قصاب از قیمت فروشی ز پا چون گوسپندی لکه تو شد
فضای کابل از بس پر ز خاک است به چشم روز روشن مثل شو شد

«اسیر» از گفتن بسیار بگذر

که دیدم گوش مردم ناشنو شد

(کابل عزیز - اسد 1330 ش)